خبر

اختصاص ۵۰ میلیارد ریال وام برای تولید گل های آپارتمانی

مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان از پرداخت ۵۰ میلیارد ریال تسهیلات برای تولید و پرورش گل های آپارتمانی و ایجاد گلخانه خبر داد. به گزارش ایرنا، حسن پهلووری در نشستی که به منظور حمایت و پشتیبانی از تولیدکنندگان گل های آپارتمانی با حضور معاون تجهیز و تخصیص منابع صندوق کارآفرینی امید برگزار شد، اظهار کرد: در این مرحله با توجه به نوع طرح تا سقف یک میلیارد ریال وام تولید گل‌های آپارتمانی در گلخانه به ۳۵ نفر پرداخت می شود. وی با اشاره به اینکه تسهیلات به صورت اقساط سالانه است، تصریح کرد: تنفس یک ساله برای بازپرداخت این تسهیلات پیش‌بینی شده است.مدیر صندوق کارآفرینی امید گلستان در خصوص چگونگی تحویل بذر به پرورش دهندگان گل های آپارتمانی افزود: تحویل بذر با حمایت شرکت پشتیبان به زیر گروه ها صورت می گیرد و خرید تضمینی محصول نیز انجام می شود. پهلووری با اشاره به اینکه طرح حمایت و پشتیبانی از تولید گل های آپارتمانی در گلخانه در سراسر کشور در حال اجرا است، گفت: در استان گلستان گیاه اشوریا انتخاب شده است. وی با اشاره به اینکه گلستان شرایط مناسبی برای تولید گل های آپارتمانی دارد بر لزوم برنامه ریزی و حمایت از پرورش گل در استان تاکید کرد و افزود: باید از موقعیت آب و هوایی منطقه در راستای پرورش گل استفاده شود و در این زمینه باید ساماندهی لازم صورت گیرد.

نظارت بر فعالیت رانندگان و شرکت های مسافری گلستان تشدید شد

معاون حمل و نقل اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان گفت: با توجه به فصل تابستان و افزایش حجم سفرها، نظارت بر فعالیت رانندگان و شرکت های بخش مسافری استان تشدید شده است. به گزارش ایرنا از این اداره کل، ایوب میرشاهی افزود: نظارت بر فعالیت رانندگان و شرکت های حمل و نقل بخش مسافر به صورت محسوس و نامحسوس توسط اکیپ های سیار و با همکاری پلیس راه استان برای برقراری سفری ایمن و تردد آسان مسافران انجام می شود. به گفته وی؛ نظارت بر آموزش مدیران فنی شرکت ها و مکاتبه با آنها درباره توقف ناوگان مسافری در مکان های مناسب پذیرایی هنگام سفر، توقف به موقع برای اقامه نماز در حین سفر، تاکید بر نظارت بیشتر شرکت ها برای ارائه بسته های پذیرایی در داخل اتوبوس و استفاده از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی از دیگر اقداماتی است که در طول تابستان و در قالب طرح مسافری در استان به اجرا درمی آید. میرشاهی ادامه داد: نظارت بر فعالیت رانندگان و شرکت های حمل و نقل مسافر در طول سال در حال اجراست اما در فصل تابستان و در قالب طرح مسافری به طور ویژه اجرایی می شود. طبق گزارش اداره کل راهداری و پایانه های گلستان، تعداد ناوگان مسافری استان ۱۷۰۸ دستگاه و تعداد رانندگان فعال در این بخش ۳۲۵۹ نفر هستند.

پلیس راهور گلستان حدود ۱۴ هزار وسیله نقلیه حادثه ساز را متوقف کرد

رییس پلیس راهنمائی و رانندگی (راهور) گلستان گفت: از ابتدای سال جاری تا پایان خرداد ماه ۱۳هـزار و ۹۳۲ دستگاه انواع خودرو و موتورسیکلت حادثه ساز در سطح استان متوقف شده اند. سرهنگ ایوب شرافتی در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: از این تعداد هفت هزار و ۸۵۵ دستگاه موتورسیکلت و شش هزار و ۷۷ دستگاه خودرو بوده است. وی عنوان کرد: این وسائل نقلیه حادثه ساز در مسیرهای درون شهری و برون شهری بودند که به پارکینگ منتقل شده اند. رییس راهور گلستان تصریح کرد: بیشتر تخلفات رانندگان این وسائل نقلیه سرعت بالا، تکرار تخلفات، حرکات خطرساز، بدحجابی، آلودگی صوتی، نداشتن گواهینامه و مسائلی از این قبیل بوده است.

حجاب حافظ شخصیت زن است

نماینده ولی فقیه در استان گلستان با بیان این که حجاب حافظ شخصیت زن است، گفت: بی حجابی جز فساد و بی بندو باری چیز دیگری ندارد.به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله سید کاظم نورمفیدی، در خطبه های نماز عبادی- سیاسی جمعه گرگان، با قرائت خطبه ۱۷۷ نهج البلاغه، اظهار کرد: امیر المومنین علی (ع) در جملات خود قسم یاد می کنند. ایشان برای تائید سخنان خود قسم یاد می کند. اگر خداوند به ملتی نعمت بدهد از آنان نمی گیرد و اگر گرفت منشاء آن این است که آن مردم مستحق این مجزات هستند. هیچ قومی نیست که دارای نعمت خوبی داشته باشد که از آن ها گرفته شود. وی افزود: در آیات مکرر قرآن، خداوند تاکید کرده است که وضعی را که به یک جمعیت داده عوض نمی کند مگر این که مردم خود این تغییرات را ایجاد کرده باشند. در سوره اعراف از آیه ۹۲ به بعد خداوند می فرماید، اگر اهل آبادی و یک جامعه، تقوا و ایمان داشته باشند و بر این مبنا زندگی کرده باشند در برکات خود را از آسمان و زمین برآن ها باز می کنیم و اگر غیر از این باشد ما این ها را مواخزه می کنیم.امام جمعه گرگان تصریح کرد: حضرت علی (ع) می فرماید «اگر خداوند متعال نعمت هایی را در اختیار قومی قرار دهد، از آنان نمی گیرد مگر اینکه خودشان باعث شوند که این نعمت از آنان گرفته شود.» اگر به تاریخ نگاه کنیم، تمام کتاب های که در هر کجای عالم وجود داشته دچار تحریف شده است ولی تنها کتاب آسمانی که از دست تحریف در امان مانده است قرآن است.وی اظهار کرد: جوامع و ملت های که به خودشان، قوم، سنت و پیشرفتشان علاقه مند هستند باید مواظب باشند که اگر دچار ظلم شوند نتیجه این ظلم گریبان آنان را خواهد گرفت. سلطنت و حکومت با کفر باقی نمی ماند. اگر زمامداری حتی اگر کافر باشد، اما ظالم نباشد این باقی خواهد ماند ولی اگر حاکمی مسلمان باشد اما ظلم کند، حتما مورد باز خواست خداوند قرار می گیرد. تا می توانیم در زندگی ظلم، بی انصافی و حق کسی را پایمال نکنیم چرا که در دوام حکومت موثر خواهد بود. آیت الله نورمفیدی در خطبه دوم هم گفت: مسئولان از مردم می خواهند که در مصرف آب صرفه جویی کنند تا گرفتار قطع آب نشویم. یکی از موضوعات مهم دیگر هم برق است. در ساعت ۱۳ تا ۱۷ بعد از ظهر مواردی مصرفی که ضرورت ندارد، مردم از برق استفاده نکنند تا برق قطع نشود.وی بیان کرد: یکی از گلایه های مردم و کشاورزان این است که مطالبات گندم آنان پرداخت نشده است. مسئولین استانی فعال‌تر شوند چرا که کشاورزان گندم های خود را تحویل دادند و نیاز دارند که پرداختی های آنان انجام شود.

پرداخت مالیات یعنی مشارکت در توسعه کشور

وی اضافه کرد: امروز ۱۶ تیر روز مالیت و آغاز هفته مالیات است. این مساله به معنای دخالت همه مردم در مدیریت اقتصاد است. همه مردم از کارهایی که دولت انجام می دهد همچون جاده، برق و کارهای دیگر استفاده می کنند و می طلبد همه در پیشرفت کشور مشارکت کنند. البته قانون ها باید به شکلی باشد تا آن هایی که درآمد کمتری دارند هم توجه شود قانون مالیات باید به شکل منصفانه انجام شود تا پرداخت مالیات برای خیلی ها دشوار نباشد.نماینده ولی فقیه در استان گلستان تصریح کرد: دوشنبه روزی است که کودتای نوژه قرار بود در اوایل انقلاب انجام شود ولی کشف و خنثی شد. دشمن تصمیم گرفته بود که در یک پادگان نظامی کار را شروع کند. یکی از سران کودتا به خلبانی که مامور بود بیت امام را بمباران کند می گوید اگر ۵ میلیون ایرانی کشته شود مسئله ای نیست. آمریکایی ها از همان روزی که انقلاب به ثمر نشست به دنبال این بودند که ضربه ای بزرگ به آن وارد کنند.امام جمعه گرگان ادامه داد: روز چهارشنبه ۱۷ شوال به دلیل رشادت حضرت علی (ع) در جنگ احزاب، روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه ای نام گذاری شده است. معمولا کسان که به سمت این ورزش می روند شعارهایی با محتوای خدا و پیامبر(ص) استفاده می کنند. ورزش پهلوانی یک ورزش ایرانی اسلامی است و نیاز دارد تا به آن توجه شود و جوانان ما در کنار گود ورزش را فرا گیرند.وی درباره مناسبت روز ۲۱ تیر هم گفت: رضاخان با سفر خود به ترکیه تصمیم به کشف حجاب گرفت که مراجع ما در مقابل این تصمیم ایستادگی کردند و برای این موضوع حمام خون در مسجد گوهر شاد راه افتاد. مسئله حجاب و حفظ حجاب یک امر الهی است و آن کسانی که مخالف آن هستند سر از جایی دیگر در می آورند. همه کسانی که به حکم الهی پایبند هستند حجاب را پذیرفته اند، حجاب محدودیت نیست بلکه باعث می شود تا شخصیت زن حفظ شود. شخصیت زن به علم و کمال است.وی بیان کرد: در آزمون سراسری بیشتر کسانی که وارد شدند خانم ها بودند. کسی با این مخالف نیست، خانم ها با تحصیل علم، عالم و فاضل می شوند.

آیت الله نورمفیدی اضافه کرد: اگر مخالفت با کشف حجاب می شود به خاطر این است که جز فساد و بی بندباری چیز دیگری ندارد. مگر خانمی که حجاب داشته باشد نمی تواند به بالاترین مراحل علمی برسد؟ افراد بسیاری هستند که با حفظ حجاب توانستند به مدارج بالا برسد،وی با بیان این که حجاب حافظ شخصیت زن است، گفت: بی بندباری زن شخصیت زن را از بین می برد. اخلاق، فضیلت، علم به انسان شخصیت می دهد، ملت ایران به حجاب به عنوان یک تکلیف الهی پایبند است. خانم های ما به عنوان یک تکلیف به آن نگاه کنند و مواظب آن باشند.

کارگروه اجتماعی فرهنگی گلستان در روستایی آسیب پذیر برگزار شد

سومین نشست کارگروه تخصصی اجتماعی فرهنگی استان گلستان در محله آسیب پذیر قزاق محله برگزار و به آسیب های این محله پرداخته شد. به گزارش مهر، سومین نشست کارگروه تخصصی اجتماعی فرهنگی به شکل مشترک با کارگروه ارتقای وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سلامت ستاد بازآفرینی شهری عصر چهارشنبه به ریاست معاون امنیتی، سیاسی و اجتماعی استاندار گلستان در اقدامی پسندیده، در یکی از آسیب پذیرترین نقاط شهرستان گرگان یعنی «قزاق محله» برگزار شد. در این جلسه که در مسجد روستای قزاق محله به شکلی متفاوت برگزار شد، موضوعات ارائه شده از سوی مدیران کل برخی از دستگاه ها ویژه این منطقه و آسیب‌های آن بود. علیرضا سنچولی، مسئول پایگاه اجتماعی روستای قزاق محله به بیان مشکلات مردم روستا و مطالبات مردم پرداخت. وی اظهار کرد: روستای قزاق محله در وسعتی ۱۲ هکتاری واقع شده، هیچ زمین کشاورزی در اطراف آن قرار ندارد و شغل اکثر مردم این روستا هم کارگری است. سنچولی تعداد خانواده های این روستا را ۶۸۷ خانوار عنوان کرد و ادامه داد: طبق آخرین سرشماری جمعیت روستا دو هزار و ۹۲۲ نفر تخمین زده شده و نزدیک به یک هزار و ۷۰۰ نفر اتباع هستند. وی ادامه داد: حدود ۱۰ درصد جمعیت روستا شیعه و مابقی از اهل سنت هستند. مسئول پایگاه اجتماعی روستای قزاق محله مهم‌ترین نیاز این روستا را آموزش عنوان کرد و گفت: مشکل عرضه و تقاضای مواد مخدر در روستا، مشکل کیفیت آب آشامیدنی، نبود سرعت گیر مناسب برای روستا، نبود مکان ورزشی و فرهنگی و ... از جمله مشکلات روستا هستند. سنچولی در رابطه با وضعیت آب شُرب روستا گفت: چاهی که از آن برای آب آشامیدنی استفاده می کنیم چاهی قدیمی است و تمام تجهیزات این چاه متعلق به سال ۵۷ است.وی تصریح کرد: منبع آبی که برای این روستا در نظر گرفته شده چهار هزار لیتری است که کفاف جمعیت این روستا را نمی‌دهد.

تردد ۱۰۰۰ تاکسی فرسوده در گرگان

مدیر کل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان گفت: حدود هزار و ۳۰۰ تاکسی فرسوده در استان گلستان داریم که از این میزان حدود هزار دستگاه آن در گرگان است. محمد حمیدی در گفتگو با مهر، اظهار کرد: حدود هزار و ۳۰۰ تاکسی فرسوده در استان گلستان داریم که از این میزان حدود هزار دستگاه آن در گرگان است. ضمن لزوم تعویض این تاکسی ها، در راستای جایگزینی این تاکسی ها دولت امتیازات خوبی می دهد.وی همچنین از بروز رسانی ناوگان اتوبوس استان گلستان خبر داد و گفت: با کمک شهردار پیگیری پروژه ای هستیم که امسال حدود ۲۰ اتوبوس را بروزرسانی کرده و به ناوگان شهرداری گرگان اضافه کنیم.حمیدی افزود: تمام عزیزانی که، در حمل و نقل درون شهری و برون شهری، دارای خودروی دیزلی یا گازوییل سوز هستند فقط تا پایان شهریور وقت دارند تا با مراجعه به شهرداری ها و ثبت در سامانه، از اول مهر گازوییل دریافت کنند. وی با اشاره به پروژهای ناتمام و مشکلات پیش آمده در این راستا در سنوات گذشته اظهار کرد: پروژه هایی که در سال جاری شروع می شوند ناتمام نخواهند ماند. وی با بیان این که اتفاقات خیلی خوبی در سال ۹۵ در حوزه منابع اعتباری شهرداری ها افتاد، گفت: اتفاقی که برای اولین بار در تاریخ شهرداری ها در دولت تدبیر و امید افتاد، پرداخت بدهی ۲۷ میلیارد تومانی دستگاه های اجرایی به شهرداری ها بود.مدیر کل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان ادامه داد: در سال گذشته همچنین هفت و نیم میلیارد تومان در حوزه خدمات شهری، پسماند و گردشگری به شهرداری های استان پرداخت شد.وی افزود: در حوزه مدیریت بحران ۷ میلیارد تومان، از محل تبصره ی ۳۶ که به پیگیری استاندار انجام گرفت، به شهرداری ها استان تخصیص پیدا کرد. این میزان برای اجرای پروژه های دیوارسازی، بویژه ارتقای ایمنی در حوزه سیل در شهرهای استان گلستان است.

اعتبارات اختصاص یافته به توسعه روستاهای گلستان کافی نیست

مدیر کل امور روستایی و شوراها استانداری گلستان گفت: با توجه به مشکلات روستاهای استان میزان اعتبارات اختصاص یافته برای توسعه روستاها کافی نیست. علی نصیبی، در گفتگو با مهر، اظهار کرد: با توجه به مشکلات روستاهای استان، میزان اعتبارات اختصاص یافته به روستاها کافی نیست و باید با توجه به توان روستاهای ما، ارشدان اجرایی استان ۵۰ درصد اعتبارات را در روستاها هزینه کنند هم اکنون این رقم ۴۵ درصد است. وی گفت: اعتبارات دهیاری ها، از اردیبهشت ۹۵ از سازمان شهرداری ها و دهیاری ها و اداره کل امور مالیاتی براساس شاخصه جمعیت روستایی، مستقیم به حساب دهیاری ها واریز می شود و این اعتماد دولت به دهیاران را نشان می دهد. وی افزود: علاوه بر این طرح، اعتباری برای مجموعه استانداری در نظر گرفته شده و براساس فرمول هایی، همه ساله اعتباراتی در راستای اعتبارات عمرانی به صورت مشخص به حساب دهیاری ها واریز می شود اما انتخاب روستاها توسط ما صورت می گیرد. نصیبی ادامه داد: اگر روستایی از این اعتبارات بهره مند شود تا دو سال نمی تواند از این اعتبارات استفاده کند. در سال۹۴، ۸۴ روستا و در سال ۹۵، ۱۸۵ روستای استان از این اعتبارات بند «و» بهره مند شدند و در سال ۹۶ مدنظر داریم تعداد ۱۴۴ روستا با اعتبارات بیشتری نسبت به سال ۹۵ انتخاب شوند.مدیر کل امور روستایی گلستان گفت: مشکل روستای قوشکرپی از توابع شهرستان علی آباد کتول، از طریق همین «بند واو» قابل رفع است.وی همچنین گفت: امسال برای اولین بار برای روستاهای فاقد دهیاری اعتبار از طریق سازمان شهرداری ها و دهیاری ها و اداره کل مالیاتی و به حساب فرمانداری ها واریز می شود و با نظارت اداره کل امور روستایی و شورای استانداری و اجرای بنیاد مسکن طرح های آنان در راستای عمران و آبادانی روستا انجام شود.

بندر ترکمن صاحب پایگاه امدادونجات ساحلی شد

رئیس هلال‌احمر بندر ترکمن گفت: پس از پیگیری‌ها و تلاش زیاد مجوز ایجاد پایگاه دائمی امدادونجات ساحلی در بندر ترکمن صادر شد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر شهرستان بندر ترکمن، مهدی جعفری گفت: سرانجام پس از پیگیری‌ها و تلاش زیاد مجوز ایجاد پایگاه دائمی امدادونجات ساحلی در بندر ترکمن صادر شد.وی تصریح کرد: پس از تلاش‌های شبانه‌روزی و با حمایت‌های مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر و معاون امدادونجات جمعیت هلال‌احمر گلستان موفق به اخذ مجوز این پایگاه شدیم و امکانات و تجهیزات خوبی بابت ایجاد پایگاه وارد بندر ترکمن شد. رئیس هلال‌احمر بندر ترکمن افزود: تاکنون خدمات امدادونجات به مردم بندر ترکمن و مسافران محترم این شهرستان به‌صورت ایجاد پایگاه موقت و سیار در قالب اجرای طرح‌های نوروزی، زمستانه وامداد تابستانه بود که با استقرار پایگاه دائم امدادونجات ساحلی فعالیت‌های امدادی شهرستان به‌صورت دائم در تمام ایام سال و ۲۴ ساعته با حضور چهار نجات گر زبده و با به‌کارگیری یک دستگاه آمبولانس، قایق و تجهیزات پیشرفته امدادونجات خواهد بود. وی خاطرنشان کرد: پایگاه امدادونجات ساحلی هلال احمر بندر ترکمن قابلیت انجام مأموریت‌های امدادونجات جاده‌ای را هم دارد.رئیس هلال احمربندرترکمن با اشاره به اینکه باید به وجود ساحل در استان به‌عنوان یک فرصت نگاه کرد، افزود: علاوه بر درآمدزایی در ساحل، به مقوله نشاط اجتماعی و سلامت جسمانی مردم نیز توجه ویژه باید داشت و با عنایت به جاذبه‌های گردشگری و شرایط توریستی بندر ترکمن وجود این پایگاه ازجمله نیازهای اساسی شهرستان است.مهدی جعفری با اشاره به نقش سازنده خیرین در سطح جامعه اظهار کرد: با توجه با مبانی دینی، احداث پایگاه امدادونجات ساحلی در بندر ترکمن می‌تواند نقش موثردرکمک به‌سلامت انسان‌ها داشته باشد.وی در پایان تصریح کرد: جهت آغاز مراحل احداث پایگاه امدادونجات ساحلی هلال احمربندرترکمن نیازمند توجه ویژه مسئولین و خیرین شهرستان هستیم.

آگهی‌های ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۳۶۰۳ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه شماره ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۱۱۶۷ متقاضی خانم عذرا مفیدی فرزند آقاجان کدملی ۲۱۲۱۱۹۴۵۵۱ به شماره شناسنامه ۲۹۰ صادره از گرگان ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده شده است به مساحت ۲۷۵/۶۰ مترمربع واقع در اراضی قادرآباد از پلاک ۳۲۷۰ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۴ ثبت گرگان خریداری از مالک رسمی آقای ایرج لطفی محرز گردیده است. لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت بفاصله ۱۵ روز آگهی می شود از این رو اشخاصیکه نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض اداره ثبت طبق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
م الف ۳۷۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۴/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۵/۲
محمد اسماعیل پور- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان

آگهی فقدان سند مالکیت

شرکت رویال پیشگام شرق بوکالت از خانم جمیله اخوین شماره ۱۸ کدملی ۲۲۴۹۵۷۷۹۷۸ صادره کردکوی فرزند حسن با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده توسط دفتر اسناد رسمی شماره ۷۱۴ تهران ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه دوم جنوبی به مساحت ۸۱/۸۵ مترمربع دارای پلاک شماره ۴۷۵۹ فرعی از ۲۸۲۰ فرعی از ۲۶۸ اصلی بخش ۳ حوزه ثبتی گرگان که ذیل ثبت ۴۶۳۶۳ صفحه ۷ جلد ۳۲۱ بنام مالک فوق مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند بوده است و بموجب سند رهنی شماره ۴۰۸۰۴ مورخه ۱۳۹۶/۴/۹ در رهن شرکت رویال پیشگام شرق می باشد و بموجب نامه شماره ۹۴۰۲۲۵ مورخه ۱۳۹۴/۶/۲۴ اجرای احکام شعبه ۱۲ دادگاه حقوقی گرگان در قبال ده میلیارد ریال در بازداشت می باشد بعلت جابجایی مفقود شده و نامبرده تقاضای صدورالمثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است.از این رو به استناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ده روز از تاریخ آگهی اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۳۹۴م الف

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر www.golshanemehr.ir

خبر

حاشیه شهرهای گلستان نیازمند استقرار تجهیزات بهداشتی است

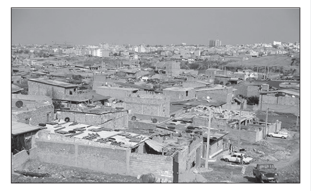

معاون بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان گفت: حاشیه شهرهای گلستان نیازمند فضای فیزیکی مناسب برای استقرار تجهیزات بهداشتی است.به گزارش مهر، محمدرضا هنرور اظهار کرد: در حاشیه شهرهای گلستان ۶۲ هزار نفر باید تحت پوشش نظام بهداشتی قرار گیرند. در قزاق محله هم یکی از بحث‌هایی که باید جدی گرفته شود بحث سلامت اجتماعی است. هنرور اظهار کرد: ما در فضای حاشیه شهرها خانه بهداشت و نیروی انسانی کافی داریم اما متأسفانه از فضای فیزیکی مناسبی برای این مراکز برخوردار نیستیم.وی تصریح کرد: با اینکه تجهیزات مناسبی برای این مراکز بهداشت در نظر گرفته‌ایم اما چون فضای مورد استفاده استیجاری است، ما را دچار مشکل کرده است. وی بابیان اینکه در روستای قزاق محله نومل باید فقر را هدف قرار دهیم، ادامه داد: آزادشهر به‌عنوان بدترین شهر از نظر سلامت اجتماعی به‌عنوان پایلوت قرار گرفت و با مداخلات جامعه‌محور مشکلاتش حل شد، بنابراین باید برای قزاق محله هم مداخلات جامعه‌محور را پیاده‌سازی کنیم.هنرور ادامه داد: در مداخلات جامعه‌محور دولت در کنار مردم به فعالیت می‌پردازد اما بخشی از کارها با محوریت مردم انجام می‌شود.معاون بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: در محله اوزینه گرگان پایگاهی به عنوان «مرکز سلامت جامعه محور» افتتاح‌شده و تنها مرکزی است که با اعضای هیئت‌علمی روانشناسی دانشگاه و مجموعه‌ای از روانشناسان اداره می‌شود.

مشکل قطعی برق در گرگان برطرف شد

مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان گفت: در ساعات گذشته مناطقی در گرگان دچار قطعی برق بودند که این مشکل هم اکنون برطرف شده است. علی اکبر نصیری در گفتگو با مهر اظهار کرد: مناطقی در گرگان از جمله خیابان شهیدبهشتی دچار قطعی برق بود که اکنون برق این مناطق متصل شده است. وی افزود: اگر مردم با ما همکاری کنند، قرار نیست این قطعی ادامه یابد. وی بیان کرد: اگر به توصیه های اداره برق توجه شود، ما نه در گرگان و نه در سایر شهرستان های استان، قطعی نوبتی و خاموشی نخواهیم داشت. نصیری تصریح کرد: نیروگاه علی آبادکتول نیز مشکلی ندارد و در مدار است. نصیری خاطرنشان کرد: در پی افزایش بی سابقه گرما در چند روز گذشته مصرف انرژی رکورد جدیدی به ثبت رسانده است و اگر همشهریان در ساعات اوج مصرف، ساعات بین ۱۳ الی ۱۷، لوازم سرمایشی پرمصرف را از مدار خارج کنند مشکلی نخواهیم داشت.

لزوم استفاده از منابع بین المللی برای احداث مدرسه در قزاق محله

فرماندار گرگان گفت: بیشتر ساکنین روستای قزاق محله را اتباع بیگانه تشکیل می‌دهند و باید برای ساخت مدرسه در این روستا از منابع بین‌المللی بهره ببریم. به گزارش مهر، سید عباس حسینی در کارگروه آسیب‌های اجتماعی که در روستای آسیب‌پذیر قزاق محله گرگان برگزار شد، اظهار کرد: عمق آسیب‌های اجتماعی در شهر ما کم نیست و کار کردن در این زمینه وظیفه همه دستگاه‌هاست.وی افزود: باید شرایط موجود را بسنجیم و بعداز آن طرح مناسبی برای برطرف کردن مشکلات ارائه دهیم.حسینی بابیان اینکه باید اولویت اجرای طرح شهید شوشتری را به مناطقی اختصاص دهیم که چهره مناسبی ندارند، اظهار کرد: انتظار داریم در این نشست‌ها حاشیه‌نشینی را مهار کنیم و اجازه ندهیم رشد کند.فرماندار گرگان گفت: یک‌چهارم جمعیت استان گلستان در شهر گرگان و روستاهای اطراف آن وجود دارد و من از دستگاه‌ها می‌خواهم نگاه ویژه‌ای به شهر گرگان داشته باشند.حسینی ادامه داد: روستای قزاق محله روستایی است که بیشتر جمعیت آن را افراد غیربومی تشکیل می‌دهند و هر فعالیتی که در آن انجام می‌شود باید به‌عنوان زیرساخت در نظر گرفت.

هستی و نیستی

اثر جاودان ژان پل سارتر

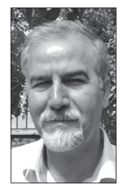

سیدمراد باباحیدری-ژان پل سارتر بیشتر از هر فیلسوف‌دیگری،فلسفه‌اگزیستانسیالیسم،ورژن‌خود، را تئوریزه کرده و پایبند چنین ساختمان شناخت از و رویکرد به انسان است. و یا می شود گفت: ترم و فلسفه اگزیستانسیالیسم بیشتر از آنکه به این و آن فیلسوف منتسب شده بوده باشد و اکنون هم این چنین باشد، به سارتر منتسب است. یکی از دلایل چنین گفته یا حکمی همان شاهکار خود سارتر به نام «هستی و نیستی است»، هر چند من ترجیح می دهم از عنوان «بودن و نبودن» استفاده بکنم که در ادامه خواهم گفت چرا این دو ترم ها مناسبتر از دو ترم هستی و نیستی است که ظاهرا در ایران به این عنوان ترجمه، مرسوم است و استفاده می شود. خود بیوگرافی سارتر بسیار آموزنده و جالب است زیرا، برای نمونه، تنها، تا این لحظه، برنده جایزه نوبل است که زیر بار دریافت جایزه خود نشد. تنها دلیل ایشان هم مخالفت شدید با هر نوع سیستم تصمیم گیرنده، آن هم نوع منتسب به این و آن دولت و ملت، مثل آکادمی و کمیته نوبل سوئد که به هر حال هر چه باشد، ساختار پسند خود سارتر نیست. و من فکر می کنم این گونه موضوع گیری های شجاعانه او، یکی از نتایج باور و اهمیتی است که خود به به «بودن» در سطح بویژه اندیشیده و پرمعنی آن می دهد. آنهم بودنی آگاهانه و باهدف، برای نمونه، جاانداختن کیفیت اختیار و آزادی. مفاهیمی که بیش از هر مفهوم دیگری برای او مهم هستند که موضوع این نوشته هم است. پس این زاویه (زیر بار اتوریته نرفتن و هر نوع آن هم) از شخصیت او را در اینجا به این دلیل ساده مطرح کردم که به نظرم مناسب است با همین کیفیت وضعیت بودن در برابر وضعیت نبودن که هر دو این مفاهیم در اثر حدودا ۷۰۰ صفحه ای خود، و در سطوح ممکن گوناگون،تعریف، تبیین و همچنین با دقت فراوان، آنالیزه کرده است.

رویکرد سارتر به این دو مفهوم کلیدی،و هردو هم؛درهم تنیده شده، کاربردهای فراوان و گوناگونی دارند. پروژه در زمینه هویت فردی و پداگوژی، دو تا از آن کاربردهایی است که ما مدیوناگزیستانسیالیسم نوع سارتر هستیم. چرا؟ زیرا هویت فردی برآمده از بودن آگاهانه و داوطلبانه فرد در اجتماع است و همچنین پداگوژی در اینجا یعنی رویکرد فرد به بودن که در آن شب و روز، فرد خود را در مواجهه با فعالیت های شناخت از هم جهان درون خود و هم از جهان بیرون خودمی بیند. و بعلاوه، کیفیت بودن خود تعیین کننده نوع و کیفیت تعلیم و تربیت و یادگیری و یاددهی است. پس اگزیستنسیالیم در این دو حوزه از شناخت، بسان یک رویکرد هولیستیک یا همان جامع، عمل می کند. سارتر به گونه ای می گوید فردهوشیار و آگاه فردی استکه به بودن خود جهت و معنی ببخشد زیرا انسان چاره ای به جز درگیرشدن، آنهم ترجیحا آگاهانه و هوشمندانه، با واقعیات زندگی خود ندارد. به بیان دیگر، من فکر می کنم سارتر و برعکس اکثر مکاتب و فلاسفه پیشین او که همگی‌نوک پیکانتوجه انسانهارا به سمت این و آن ملکوت و «عالم بالا» تنظیم کرده بودند، او اصرار دارد و می گوید انسان باید به خود و در بودن اش اهمیت بدهد تا بتواند کم و بیش بر این و آن موانع طبیعی و اجتماعی، غلبه بکند.وگرنه، او به تدریج؛ خسته، افسرده و شکست خواهد خورد. گر چه تعدادی از فیلسوفان مثل کیرک گارد، هوسرل و هایدگر، هر کدام به‌نوعی اگزیستانسیالیست هستند، اما این سارتر بود که اگزیستانسیالیسم رادر مهمترین اثر خود «هستی و نیستی»، تئوریزه کرد. این نوع اگزیستانسیالیسم ، و به عنوان یک جنبش فلسفی، انسان را یک موجود سازنده، فعال و مدیر پروژه زندگی انسانی خود می داند. این اولین پیش فرض، در این فلسفه و رویکرد به جهان، قطعی است. انسان خود ایجاد کنند، فعال، خلاق، مسئول مدیریت پروژه انسانی وهمچنین بخشیدن معنی به زندگی خود است. به بیان دیگر، در فلسفه اگزیستانسیالیسم نوع سارتر، انسان یک وجود زمینی است و با مشخصات مادی و فیزیکی همگی قابل اندازه گیری و متعلق به همین کره زمین مادر. مقدار چگالی چنین انسانی بستگی دارد به کیفیت زندگی زیسته اما هوشیارانه، آگاهانه و همچنین هوشمندانه است. پس در چنین فلسفه ای انسان دیگر یک رویکرد آسمانی و ملکوتی به بودن خود ندارد، و برعکس؛ هر دو پای اش بر روی همین زمین واقع دراین کره خاکی،سفت و محکم است. اخلاق خود هسته فلسفه و رویکرد سارتر به این بازیگر و کنشگر، بویژه آگاه و فعال، اما بویژه متفکراست.

چرا ترجیح می دهم به جای «هستی» و «نیستی» به ترتیب از دو ترم یکی «بودن» و دیگری «نبودن» استفاده بکنم؟

به دو دلیل عمده. یک، ترم «هستی» بیشتر مناسب ادبیات در حوزه آنتولوژی و یا همان هستی شناسی است که می دانیم به معنای همه آن چیزهایی که از پیش یا در «آنجا»قرار دارند و یا خود می خواهیم بر اساس یک لیست از اولویت ها، یک سری آیتم را بر اساس چنین لیستی، دسته بندی بکنیم. چنین کاری و بویژه در روزها در حوزه های گوناگون علوم اجتماعی و طبیعی، انجام می شود.به هر حال، این نوع هستی و نیستی، بیشتر همان کاتگوریزه کردنیک سری آیتم ها و بر اساس یک لیست از پیش تعریف و تعیین شده شرط و شروط هایی است تا روابط فی مابین هم درون- کاتگوری و هم بین کاتگورها، شناسایی، آنالیز و سپس نتیجه مناسب بشود. و این کار، یعنی آنتولوژی، یک نوع گزینش حساب و کتاب شده یعنی سیستماتیک از بینیک هستی بزرگتری است که این یکی در متافیزیک جا می گیرد. به بیان دیگر، متافیزیک یعنی هر آنچه که در آنجا است و آنتولوژی زیرگروه و یا زیرکتگوری، کاتگوری متافیزیک است، که گفتم بزرگترین کتگوری است. پس اگر هستی را در برابر ترم انگلیسی «بینگ» ترجمه کرده باشند که گفتم در ایران ظاهرا چنین کرده اند، این هستی نیازی به حضور انسان ندارد و بیشتر در باره کلاسه کردن یک سری چیزها مثل شراب های باغ های انگور این و آن کشاورز ایتالیایی است. در اینجا منظور از آنتولوژی همین کاتگویزه کردن بر اساس یک لیست از الویت ها مثل: کشاورز تولید کننده شراب؛ رنگ شرایع مزه شراب؛ و قیمت هر بطری شراب است. پس این هم یک نوع طرح از انواع و اقسام کاربردهای آنتولوژی و یا همان هستی شناسی که گفتم پس چه بهتر از بودن استفاده بکنیم زیرا بودن در «آنجا» یعنی جایی که زندگی است وآگاهانه و همه جانبه درگیرشدن با آن، انسان سازاست. جنس این «بودن» از جنس همین دنیای مادی و فیزیکی مثل سنگ و درخت نیست تا برای این ها باشد. برعکس، از جنس همان آمیخته ای از سه تیپ از بودن ها است که خود سارتر می گوید: «بودن-در-خود»، «بودن-برای-خود» و سومی «بودن-برای-دیگری».توجه! همانگونه که خود می بینید، از اکنون به بعد، به جای «هستی» و «نیستی» از به ترتیب «بودن» و «نبودن» استفاده می کنم زیرا سوای اینکه گفتم ترم «هستی» و «نیستی» بیشتر مناسب مبحث آنتولوژی است، انسان عاقل انسانی است که هوشیارانه، آگاهانه و هوشمندانه در این دنیای فیزیکی، به بودن و نبودن خود معنی ببخشید. و برداشت من این است ترجیح دادن استفاده از ترم های «بودن» و «نبودن» و به ترتیب به جای «هستی» و «نیستی»، یک دینامیسم منطقی زبانشناسانه دارد. و اما به هر حال این دو مفاهیم در باره زندگی و مناسب ترین و مهمترین پرسش های انسانی در باره آن است. پاره ای از این پرسش های هستی شناسانه ومعرفت شناسانه ین ها می باشند:

معنی واقعی زندگی چیست؟
آیا واقعا زندگی من اهمیت دارد؟
چه نوع و چگونه باید زندگی کرد؟
چگونه باید انسانها با هم رفتار بکنند؟
چگونه می توانم وضع موجود را و به نفع خود و دیگران تغییر بدهم؟
آیا مرگ فیزیکی واقعا سرانجام و پایان زندگی انسانی من است؟

پس همانگونه که پیشتر گفتم،هم چرا و هم چگونه بودن و همچنین نبودن، در باره همین دنیای مادی و با این مختصات فیزیکی، ریاضی و هندسی است.و برعکس، نبودن یا همان «نیستی»، این در باره خود ما انسانها می باشد. در ادامه به آن سه تیپ از بودن انسانی بیشتر می پردازم.

«بودن و نبودن» انسان یا انسان آنگونه که است

دلیل اصلی استفاده سارتر از این ترم نیستی یا همان نبودن، این است که می گوید جهان فیزیکی تنها واقعیت و حقیقت دائمی است که وجود دارد و اما ما انسانها برعکس؛ در قالب هوشیاری و آگاهی خود، سیال هستیم. سارتر بودن را مشروط به شانس پذیری و بدون هدف می داند. و این بودن برای سارتر بسیار حقیر و ناچیز است. و این یعنی نوع حقارت آمیز«بودن» فیزیکال (بخوانید طبیعی) چیزها و در بویژه خارج از ذهن انسان، که همگی برای سارتر بی ارزش است. چرا؟ زیرا می گوید این نوع وجود فیزیکال جهان مادی بویژه بدون حضور انسان؛ بی هدف است. پس می توانیم نتیجه بگیریم سارتر انسان را در تضاد با دنیای فیزیکال بیرون از ذهن خود او می داند. در اینجا است که هم برای سارتر و هم دیگر فیلسوفان مثل کاموس، این دنیای فیزیکال ذاتا پوچ است و این عملا یعنی اینکه انسان همیشه درگیر یک مناقشه بین گرایش خود از یک طرف به کشف معنی ذاتی در زندگی، و از طرف دیگر؛ ناتوانی خود او برای یافتن هر چیزی است. به بیان دیگر، می شود گفت: هیچ گونه هماهنگی، همکاری و همیاری و در بالاترین سطح از سطوح اندیشه انسان با بودن/هستی فیزیکال تشکیل دهنده این جهان مادی، وجود ندارد.در تلاش های خود با هدف کشف معنی از دل زندگی، سارتر نهایتا نتیجه گرفت بودن یا همان وجود ارجحیت دارد بر جوهر این جهان مادی. منظور سارتر از این گفته این است که معنی که همان هدف باشد، پیش از پیدایش انسان در ذات اشیاء تشکیل دهنده این جهان خاکی وجود نداشت. و اما با پیدایش انسان و بطور تدریجی، انسان یک سری معنی ها را سوار بر این و آن چیز فیزیکی و دیگر چیزها به نام ارزش های اجتماعی کرد. به بیان دیگر، معنی که این روزها این و آن چیز مثل درخت دارد، پیش از پیداش انسان در درخت وجود نداشت و این انسان بود که یک نوع جوهر و معنی مناسب به آن داد. پس معنی ها ساخته و پرداخته و تولید کننده ذهن انسان است. و این تک معنی ها هر کدام پاسخ به یک نیاز بوده است. و این نیاز از نبودن برآمده است. و نبودن که هر چند سیال و دینامیک اما به هر حال زمانمند است و پس زودگذر و نهایتا میرا.

ادامه دارد

مفهوم دیگری در اندیشهٔ سارتر

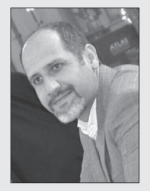

محمدرضا مرادی طادی

ـ شاید یکی از مشهورترین گزین گویه‌هایی که در تاریخ اندیشهٔ بشری رایج شده و این روزها نیز به لطف فضای مجازی و گروه‌های اجتماعی سایبری زیاد شنیده می شود، و گاه حتی به صورت ضرب المثل نیز از آن استفاده می شود،این سخن جالب توجه سارتر باشد که گفته بود: «جهنم یعنی دیگران» (Hell isother people).امّا منظور سارتر از این عبارت چه بوده است؟ یعنی آن که انسان، به تعبیر قُدمایی و ارسطویی آن،دیگر همان موجود مدنی بالطبعی نیست که خواهان با دیگری بودن و زیستن در جامعه بوده است.یعنی آن که سارتر ذات جدیدی برای آدمی تعریف کرده است که در آن انسان تنهایی و تفرد و رهایی حاصل از آن را بر هر گونه بودنی با دیگری ترجیح می دهد؟ اگر این گونه باشد، چه پاراِدُکس دردناکی است که فیلسوفی وجودی نه تنها قائل به ذات برای آدمی شده است،بلکه چنین ذات وحشتناکی برای او لحاظ کرده است که در آن بایستی با خویشتن خویشش تا ابدالآباد تنها بماند تا از شر مصاحبت با دیگری رها گردد؛ چرا که دیگری جهنم است و از همین رو بایستی از او گریخت تا به سعادت و خوشبختی دست یافت. حُکمی که شاید حتی فیلسوف بسیار بدبینی مثل هابز ، که آدمی را گرگ آدمی می دانستند، به صدور آن خطر نمی کرد. بنابراین ،اگر منظور سارتر از این عبارت ابهام انگیز چنین معانی وحشتناک و هول بر انگیزی باشد،بایستی نه تنها آن را نادیده گرفت بلکه گوینده را انسانی گسسته خرد دانست که در موقعیتی مالیخولیایی سخنی عبث و پوچ گفته است.امّا معنایی که سارتر مد نظر داشته چنین نیست یا حداقل به نظر می رسد که نبایستی چنین باشد. به احتمال قوی معقول آن است که برای فهم معنای سخن سارتر دو نکته را مد نظر داشته باشیم.یکی آن که سارتر چه معنایی از آزادی را در نظر داشته و دیگر آن که اساساً «دیگری» برای سارتر چه مدلولی دارد؟ از نظر سارتر – به عنوان فیلسوفی قائل به اصالت وجود – انسان دارای هیچ ذات ماتقدمی نیست ، بلکه هر چه هست وجود است و این وجود نیز که در عرصهٔ هستی پدیدار شده با آزادی او یکسان است.انسان هست و آزاد است.این بودن و آزادی برای هر انسانی معطوف به خویشتن است ،یعنی آن که هر آدمی ،به تعبیر فلاسفهٔ اسلامی، « وجود لنفسه » است؛او هست و برای خودش هم هست و نه چیز دیگر. امّا دیگری‌ای وجود دارد که به واسطهٔ « نگاه » (regard) یا خیره شدن (gaze) می خواهد هر چیزی را تبدیل به عینیّت کند، شی واره کند.در اینجا به نظر می رسد که سارتر مارکس و هایدگر را در یکدیگر تنیده است. دیگری شخصی است بیرون از من که حتی می تواند آدم مشخصی هم نباشد ، همگنان یا «همه کَس » باشد.وقتی که شما مجبورید مطابق سنن و آداب و نه بر مبنای خواست و تمنای وجودی کاری را انجام دهید که مطابق با هنجارهای جاری باشد ،هر چند نامعقول و نابخردانه، یعنی آن که به قول قُدما، «خواهی نشوی رسوا،همرنگ جماعت شو» ؛ شما به تعبیر هایدگر زندگی اصیل خود را به کناری می گذارید و با تقلید و تبعیّت از دیگری همرنگ جماعت می شوید تا مورد طعن و نقد، و حتی گاهی لعن و نفرین، واقع نگردید. سارتر با پذیرش همین تعریف از دیگری و زندگی اصیل مفهوم نگاه را نیز به آن اضافه می کند تا به آن صبغه‌ای مارکسیستی هم بدهد. دیگری – حال این دیگری هر کسی می تواند باشد از دولت گرفته تا دوستی صمیمی – با نگاه و خیرگی ما را تبدیل به شی می کند ، به آدمی منفعل و بی اراده که بایستی آزادی‌اش را برای خوشایند دیگری به کناری نهد. تو باید از من تقلید کنی تا من با تو بمانم (در رابطهٔ دوستی) . تو باید از قوانین ما تبعیّت کنی تا ما تو را به شهروندی خود بپذیریم (در رابطهٔ فرد و دولت).سارتر با چنین تعریفی از رابطهٔ فرد و دیگری به شدت مخالف است.این دیگری هر کسی که باشد حق ندارد با نگاه شی ساز و عینیّت انگارش به من، مرا به حدّ موجودی منفعل و بی اراده فروکاهد که الزاماً بایستی در چارچوب او تعریف شوم. من،هستم و این هستی من از آنِ من است که همان آزادی است.پس،دیگری‌ای که بخواهد مرا از من برُباید،نافی آزادی من و در واقع نفی کنندهٔ هستی من است،فلذا چیزی جز جهنم نیست.سارتر خود در مقام توضیح جملهٔ مناقشه برانگیزش می گوید :« پنداشته‌اندکه من می‌خواستم بگویم رابطه‌های ما با دیگران همواره مسموم است و این رابطه‌ها همیشه جهنمی‌اند، حالا آنکه می‌خواهم بگویم اگر رابطه با دیگری پیچیده وآلوده باشد، آنوقت دیگری جز جهنم نمی‌تواند باشد. و توجیه این گفته این است که برای شناخت خودمان، دیگران مهم‌تر ازخودمان هستند. وقتی ما به خودمان فکر می‌کنیم، باوسایلی که دیگران درباره مان به ما داده‌اند راجع به خود داوری می‌کنیم. هرچه من راجع به خودم بگویم همیشه داوری دیگران در آن را همی یابد».پس آن رابطهٔ پیچیده و آلوده با دیگری که مرا همواره در زیر نگاه تند و قضاوت گر او قرار می دهد ،عین جهنم است و خروج از آن پیش شرط آزادی!

از کوکتل زرد آلو تا امکان ناضرور آزادی

خسرو بنائی ـ نوشتن در باره سارتر در وهله نخست محال و امکان نا پذیر می نماید. هر نوشته در باره سارتر آن هم در دوباسه صفحه نه فقط ریختن اقیانوسی در لیوان که اشاره به مغاکی ست که دیواره ای برای چسبیدن یا مکث و نگاه کردن ندارد. یاهمچون فاوست نمی توان درنگ کرد و گفت : بایست و درباب. اما تنها یک راه می تواند نوشتن برای سارتررا موجه کند همانا خود کنش نوشتن است . نوشتن برای او نوعی مداخله برای ساختن خویشتن بود. همان گونه که او در مقابل متافیزیسن های ذات گرا خویشتن را یک دستاورد می دانست نه یک سرچشمه .اگر زاویه ای برای روحیه ضد سقراطی او باز کنیم و بگوییم او با این دریافت ارسطویی که گفت « اکنون واژه های گفتاری نمادهای انفعال های نفس اند ، و واژه ها ی نوشتاری نمادی های واژه های گفتاری اند » او خط فاصله تقدم گونه ای بین گفتار و نوشتار نمی دید چرا که هر دو را با هم پیش می برد فیلسوف خانه و خیابان بود فیلسوف کافه و متینگ ...اما بیشتر نوشت و کمتر حرف زد و هزاران صفحه متن چاپ نشده دارد . او نمادی از روشنفکر جهانشمول و انسانگرا بود که گستره وسیعی از تامل و اندیشه ورزی را در باب آزادی در نوشتار و در کنش اجتماعی به پیش برد شاید نام بردن از فرانسه دهه چهل و پنجاه بدون ذکر نام او امکان ناپذیرنباشد. وقتی دراویل دهه سی سارتر بیست هفت ساله و سیمون دو بووآر بیست پنجاه ساله و رمون آرون در کافه مونپارناس نشسته بودند هنوزسارترجوان اسمی از فنومنولوژی و پدیدار شناسی نشنیده بود. سارتر حتی پیش از آنکه رمون آرون در مورد فلسفه هایدگر و هوسرل حرف بزند ، متافیزیک هایدگر را خوانده و چیزی از آن نفهمیده و آن را کنار گذاشته بود. اما آرون چنان شفاف و ساده و متقاعده کننده در باره پدیدار شناسی حرف زده بود که حال وهوای آن دو را دگرگون کرد.اینکه از هایدگر می گفت که تمام سنت فلسفی غرب تا به حال به سئوال های درجه دو پرداخته اند و به خود هستی و هستنده توجه نکرده اند واینکه چگونه می تواند پرسش یا کنجکاوی و گزاره سازی ها و تفسیر های روشنفکرانه و فیلسوفانه را به کناری نهاد و به خود هستی و اشیاء و جهان آنگونه که خودشان را بر ما نشان می دهند تامل کرد. در واقع آنچه سارتر به آن احتیاج داشت پیش از آن ، فرانسویان در تاریخ مدرن برای انقلاب کبیرشان بیش از آلمان ها ، ازایده سازی های فیلسوفان قاره ای چون کانت و هگل و مارکس استفاده و آنرا درعمل بکار بردند .وقتی آن سه تن در آن کافه کوکتل زرد آلو را می نوشیدند می توانستند نگاه شفاف تری به آدم های معمولی و به یک لیوان فنجان قهوه و یا به تنهایی و عصیان انسان عصر خود بیاندازند. حرف های آرون در آن کافه تاثیر خودش را کرد و به سارتر گفت رفیق کوچولوی من اگر تو یک پدیدار شناس باشی ، می توانی درباره این نوشیدنی داد سخن بدهی و با آن فلسفه ای درست کنی. حرف آرون برای سارتر جرقه های همان تفکر فلسفی را ساخت که در آینده نزدیک بیش از نیمی از کتاب هستی و نیستی اش را با تاثیر ازآن در زندان نوشت .وقتی یک نشریه دانشگاهی لهستانی از او مقاله خواست که رابطه اگزیستانزیالیسم و مارکسیست را بنویسد .حجم متن به هشتصد صفحه رسید. اما در نزد سارتر پدیدارشناسی با خلاقیت ادبی ترکیب شد. او گزاره های انتزاعی را به فضای های ملموس زندگی کشاند. به قول سارا بیکول او فلسفه اش را از سرگیجه و تماشاگری ، شرم ، و دگرآزاری ، انقلاب ،موسیقی ، و مسائل جنسی ، درست کرد .در واقع او پدیدار شناسی را به فلسفه ای از نوشیدنی های زرد آلو و پیشخدمت های که آنها را ارائه می کردند بدل کرد... اگر مارکس انسان را حیوان ابزار ساز می دانست اگر ارسطو انسان را حیوان سیاسی ، سارتر آزادی را در مرکز تجربه های عام انسانی قرار میداد .در واقع این انسان گرایی صرف نبود که مفهوم آزادی را به عنوان یک انتخاب برای گسترش خویشتن بکار می گرفت .درواقع این نگرش نه از غرائز و نه حتی از تاریخ خودش تبعیت نمی کرد. اگر بتوان فلسفه او را به سه کلمه تقلیل داد واز آن راهنمایی عمومی و کلیت بخش ساخت ، تقدم وجود بر ماهیت می باشد و این شدن از کنش های هرروز سوژه جدا نیست .من همان کنش هر روز ام هستم و خود را می سازم برای همین او خویشتن انسان را یک کنش و یک دستاورد می دانست .این فلسفه با یک تعبیرفردی از آزادی و سوژه خود مختار، در خلل جنگ دوم جهانی از سارتر چهره ممتاز و قابل اعتمادی ساخت .او در مقابل سئوالی از دانشجوی خود که سرباز جنگ شده بودو نمی توانست بین مادر و وطن اش ، یکی را انتخاب کند پاسخی سر راست نداد .جواب او همان طرح دوباره مفهوم آزادی به مثابه انتخاب و ابداع است که تصمیم و مسئولیت را متوجه شخص می کند .مسئولیتی که با آزادی ساخته می شود بدون آنکه نیازمند مرجعیتی باشد .اگر بخواهیم واژه اصالت را برای تبین نظریه آزادی سارتر جعل کنیم .او آزادی را نوعی حق انتخاب می داند می گوید بگونه ای رفتار کن یا تصمیم بگیر که انگار از طرف تمام بشریت این کار را انجام می دهی. او در مصاحبه ای در این مورد گفته بود : هیچ مسیر ترسیم شده ای وجود ندارد که آدمی را به رستگاری اش رهنمون سازد : او باید پیوسته مسیر خود را بیافریند . اما برای چنین آفرینشی او بی عذرو بهانه ، آزاد ومسئول است و هر امیدی در درون او جای دارد .حرف هایش در خلل جنگ دوم و ویرانی اروپاو آشویتس و فاجعه هیروشیما و ناکازاکی یادآور خوفناک نیروی محاسبه ناپذیر و ویرانگر بشری است. سارتر در پایان جنگ در مقاله ای نوشت این بستگی به خود ما دارد که بخواهیم به زندگی ادامه دهیم یا خودمان را نابود کنیم . اما این انتخاب نمی توانست در خلاء شکل بگیرد . او برای زندگی و ادامه دادن و حق انتخاب، نوعی فلسفه را طراحی نمود که هیچ وعده مسیانک و فرجام گرا و تسلا بخشی نداشت . او این پرسش را مطمح نظر قرار داد که ما چگونه می توانیم از آزادی مان به نحوی مطلوب استفاده کنیم.اما تلقی او و رواج دیدگاهش در بعد از جنگ موجی از احساس رهایبخش و کامروایانه و آنارشی را دامن زده بود انگار برای رهایی از جنگ ،اگزیستانزیالیسم سارتری نوعی سرخوشی بی بند بار و رها از هر قید بندی بود که پیش از آن، جنگ تمام قطعیت های اخلاق سنتی و رسمی و ایدئولوژی را به تعلیق در آورده بود . دیدگاه سارتر دامنه ای از عمومی و محاسبه ناپذیری داشت همچنان که آزادی را در تعبیر نامسئولانه اش جغرافیای بی مرزی دارد . می گویند در سال ۱۹۴۵ گابریل مارسل دریک قطار ازخانومی شنیده بود که « اگزیستانزیالیسم ، چه وحشتناکه آقا ! من دوستی دارم که پسرش یک اگزیستانسیالیست است ، او در آشپزخانه ای با یک زن سیاه به سر می بره .

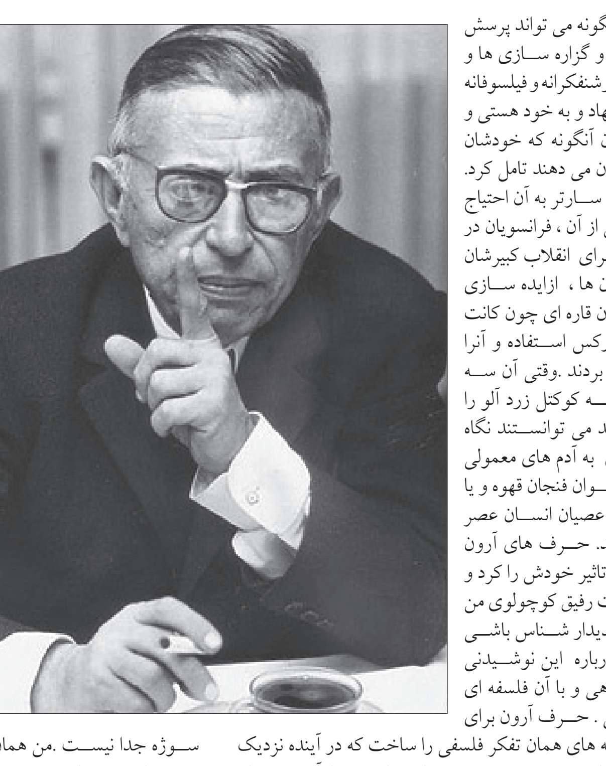

یادداشت

ژان پل سارتر ، اسطوره ی اسطوره گریز

بهزاد بابایی

سارتر فیلسوفی متعهد است . و تعهد چه تعریفی دارد ؟ انگاه که مترصد انیم تا انرا به فیلسوفی بنام سارتر منتسب کنیم ؟ او اندیشمندی است که به معتقدات خود التزام عملی دارد . او پشت کردن به معتقداتش را برای انکه مبدل به یک قهرمان شود را بر نمی تابد . برای او حقیقت حقیقت است و دروغ دروغ ، او تهی دستی را به الوده دستی ، مرجح می دارد و همسویی پراتیک با معتقدات ذهنی اش را بخشی از تعهد انسانی خود به مقوله ی « شرافت » در نگر می اورد . سارتر بدین جهت متعهد است که همواره دوستی با عدالت را ، به رغم تمامی صدماتی که ممکن است در پی داشته باشند به دوستی با انچه که انرا ظالمانه می انگارد تفضیل می بخشد و اینرا با عملش نیز به اثبات رسانیده . او تجلی این سخن برشت نیست که برای خروج از وضعیت شرورانه لزوما باید با شر همداستان شد !! .. مسیر سارتر مسیر دیگری است . او ستیز با شر را بر می گزیند و این رهیافتی به غایت دلیرانه است . ولو معقول نباشد . – سارتر بر انست که انسان موجودی ازاد است و به همین دلیل موجودی مسئول است . بدیگر سخن ، او می خواهد چنین اندارمان دهد که هرقدر ازاد تر باشیم بالضروره مسئولیت بیشتری را در مقابل با خود ، جهان و انسان بر شانه های خویش احساس خواهیم کرد و هر قدر با محدودیت بیشتری در ساحت فعل ازاد مواجه باشیم ، به همان نسبت از بار مسئولیت های انسانی – اخلاقمدارانه « فارغ خواهیم بود .. برای نمونه عدم احساس مسئولیت های یک مرد محبوس نسبت به خانواده اش از این حیث که با محدودیت در ازادی مواجه است ، به لحاظ فلسفی و عرفی توجیه عقلایی دارد . . باری ؛ سارتر خود را فیلسوفی اگزیستانسیالیست می خواند و همینطور گابریل مارسل و سه فیلسوف وجودی دیگر را که در تعاقب نامشان خواهد امد . اگزیستانسیالیسم نگریستن به جهان از زاویه ایست که با ملحوظ نظر داشتن رخدادی بنام « مرگ » بعنوان فرجامین سرنوشت ادمی در این سیاره ی خاکی ؛ به اظهار نظر در دیگر شئونات زندگی بشری بعنوان موجودی که نه در مقابل خداوند که در برابر خود و دیگر انسانها همواره مسئول است ، پرداخته و با برگزینش شیوه ای بسیار شفاف (و نه لزوما عمیق) در تحلیل موجودیت انسانی از حیث موقعیت اونتولوژیک (وجودی) او سرنوشت های بشری را می کاود و مترصد راه یافتن به گریزگاهی اجتماعی (و نه بنیادین البته) از برای اوست . بدیگر سخن ؛ در رویکردهای اگزیستانسیالیستی تعارضی پنهان در زیر لایه های این تفکر به فهم می اید که جدی گرفتن انرا به توسط روشنفکران متعقل ، با موضعی بینابینی ، در تقابل می نهد . بدیگر سخن این فلسفه از انچه که انسان بواقع انرا می زید اغاز و بر انچه که باید انرا بزید ! اختتام یافته و این نیز امری طبیعی است اگر مرگ پایان باشد .

اینک نمونه‌ای از یک استدلال اگزیستانسیالیستی – « خداوند در نگرش اگزیستانسیالیسم ها » (در میان چهار اگزیستانسیالیست بزرگ – ۱- هایدگر ۲- یاسپرس ۳- مرلوپونتی ۴- سارتر ؛ .. دو تای اولی ؛ مستقیما به امر خداوند نپرداخته اند . البته یاسپرس معتقدات نیمه عرفانی دارد ولی مرلوپونتی بیشتر از ایندو و بسیار کمتر از « ژان پل سارتر » البته ؛ به مناسبات خدا و انسان پرداخته است . علیهذا ؛ در سارتر است که مواضع تازه ای را در این خصوص مشاهده می توانیم کرد . او با تاسی به هایدگر که بر امر وجودی تاکید می دارد ، پلی برای عبور از مقوله ی خداوند بر ساخته و چنین استدلالی را عرضه می دارد : آنچه بدیهی است آن است که ما انسانها نخست به وجود آمده و بعد هویتی خواهیم یافت و مثلا عددی ممکن است بشویم ! یا نشویم ! .. مهم آن است که وجود امان مقدم است بر ماهیت امان . بدین معنی که اول فقط به دنیا می آییم و بس ! .. و در تعاقب آن است که به هویت خود شکل داده و مثلا می شویم « ادیسون » و یا « میکل آنژ » و... ؛ یعنی هویت امان امری است که قطعا بعد از به وجود آمدنمان شکل می گیرد .. او ادامه می دهد که البته « ایجاد ؛ مقدم بر وجود است ! .. و مقصود اش این است که ؛ ما پیش از آنکه به دنیا (وجود) بیاییم ، حتما لازم است که موجود دیگری ؛ بخواهد که ما را بوجود آورد ، که در اینجا همان والدین ما هستند . بنا بر این ایجاد ذهنی ما ، مقدم بر وجود امان است .. برای تحکیم آنچه که آمد ؛ شما یک صنعتگر و مثلا یک چاقو ساز را در نظر بگیرید که پیش از آنکه چاقویش را بسازد و به ظهور رساند آنرا ، طرحی از آن را در ذهن اش می ریزد .. بنابراین از دید سارتر : ایجاد ذهنی ؛ مقدم بر وجود . و وجود هم مقدم بر ماهیت است . . . بنابر این خداوند ضرورت دارد که پیش از آنکه ما را بیافریند ، حتما ما را اندیشه کرده باشد .. خداوند باید حتما بداند که چه می خواهد بکند !؟ ... سارتر ؛ استدلال اش را چنین ادامه می دهد که : پس خداوند نیز ؛ حتما می باید خود طرحی بوده باشد ؛ در اندیشه ای دیگر .